

انگاره ایگان در برنامه‌ریزی درسی و آموزش

زهرا ابوالحسنی

مرکز تحقیق سازمان مطالعه و تدوین

abolhassani@samt.ac.ir

چکیده

رویکرد آموزشی ایگان با پی‌ریزی مطالب آموزشی در قالب ساختار داستان، اصول آموزشی رایج را به چالش می‌کشد. وی معتقد است که با تکیه بر عناصر داستانی می‌توان در شیوه ارائه محتوا و برنامه درسی تغییرات اساسی ایجاد نمود تا در سایه ابعاد فراموش شده انسان در امر یادگیری، از جمله خلاقیت فرد، نتایج بهتری از آموزش گرفت. این مقاله بیشتر بر اساس کتاب *تدریس به شیوه داستان‌گویی* نوشته ایگان و با نگاهی بر نگارش کتاب *درسی موفق نوشته هاینس تدوین شده است*.

واژه‌های کلیدی

داستان، کشمکش، مفاهیم دوتایی، آموزش، برنامه‌ریزی درسی

پرتال جامع علوم انسانی

کی‌ران ایگان

محقق کانادایی و استاد آموزش در دانشگاه سیمون فراستر^۱ است. وی مؤلف مقالات و کتابهای متعددی از جمله *فهم اولیه: آموزش در اوان کودکی*^۲ و *رشد تحصیلی*^۳ است. وی به تازگی ویراستار همکار کتاب *قدرت تخیل و آموزش*^۴ بوده است.

شمای کلی انگاره

ایگان اعتقاد راسخی به قدرت روایت دارد. وی استدلال می‌کند که آموزگاران می‌توانند روش ارائه مطالب به دانشجویان را به همان شیوه‌ای که داستان‌گویان در بیان داستان به کار می‌گیرند، بهبود بخشند.

در اولین قدم، ایگان سعی در تبیین کارکرد داستان در ذهن دارد. وی اشاره می‌کند که:

۱. قدرت نفوذ داستان حتی بر بزرگسالان ناشی از درونمایه انتزاعی داستان مثل وفاداری یا شجاعت است.

۲. این درونمایه‌ها بیشتر خود را در داستانها در قالب کشش یا برخورد بین نیروهای متقابل نشان می‌دهند: وفاداری/خیانت، شجاعت/بزدلی.

۳. مشخصه‌ای که در اغلب موارد پایان یک داستان را تشکیل می‌دهد این است که کشمکش بین نیروهای متضاد یا حل می‌شود و یا فروکش می‌کند. مثلاً یک طرز تفکر بر دیگری تفوق می‌یابد و یا دو نظر ترکیب می‌شود یا به جای آنها نظر سومی می‌آید.

۴. این حرکت در داستان از تضاد به سمت حل یا اعتدال درست شبیه شیوه‌ای است که ما چیزهای دیگر را می‌آموزیم. برای مثال، وقتی به یادگیری دما می‌رسیم، ظاهراً کودکان ابتدا متضادها (داغ و سرد) را یاد می‌گیرند و سپس اصطلاح معتدل‌تر «گرم» را و سپس یاد می‌گیرند بین «گرم و سرد» را با مفهوم «خنک» معتدل کنند.

همه این مسائل به نظر بسیار دور از حوزه نگارشی کتاب درسی است، با وجود این نظریه ایگان کاربردی بسیار عملی برای شیوه‌های آموزشی دارد. وی پیشنهاد می‌کند که وقتی آموزگار تدریس موضوعی را طرح‌ریزی می‌کند باید مجموعه‌ای از مهم‌ترین متضادها را در آن موضوع مشخص کند. سپس باید درس را به همان شیوه داستان‌گو آغاز کند، یعنی برخورد یا کشش بین آن متضادها را ایجاد کند. در طی درس، معلم با

بیان و توضیح چگونگی سیر پیشرفت این برخورد نمایشی، موضوع مورد نظر را آموزش می‌دهد و درس با حل شدن یا گونه‌ای اعتدال بین آن متضادها پایان می‌پذیرد. ایگان مثالی از درس انگلیسی در موضوع سبک نگارش ارائه می‌دهد که در آن معلم کشمکش بین «فردیت» و «قرارداد» را پیش می‌برد. درس با نگارش نامه توسط دانش‌آموزان پایان می‌یابد و به این ترتیب کشمکش با استفاده از «قراردادهای» نامه‌نگاری برای بیان «فردیت» باز می‌شود. مفهوم ضمنی این روش برای نویسندگان کتاب درسی روشن است: بر اساس نظریه ایگان باید فصول را به ترتیبی بنا کرد که با مشخص کردن جفت متضادها آغاز شود و با روایت داستان درگیری بین آنها ادامه یابد و با نوعی حل مشکل یا اعتدال بین آنها پایان پذیرد.

از نظر هاینس این شیوه ساختاربندی بر اساس نظریه ایگان برای کتاب درسی یک «ایراد بزرگ» دارد: ارائه موضوع به صورت داستانی از دو طرز فکر یا نیروی متقابل بسیار تنزل‌دهنده است. همه جوانب یک موضوع به طور مطلوب در این طرح نمی‌گنجد. اما از طرف دیگر، اساس بعضی علوم را برخی دوگانگیها تشکیل می‌دهند. برای نمونه بن‌مایه اصلی بسیاری از مباحث، دوگانگیهایی همچون آزادی/اعتبار، طبیعت/پرورش، انسانیت/محیط، فرد/جامعه و آرمان‌گرایی/ماده‌گرایی است. در این موارد است که نظریه ایگان بیشترین کاربرد را برای ساخت کتاب درسی دارد.

«امتیاز بزرگ» مدل ایگان کاربرد آن در مسائل مربوط به صحت سیاسی است. همیشه این شیوه‌ای بسیار آسان بوده است که کتابهای درسی در زمینه مطالعه تاریخ و جامعه‌شناسی با روایت قوی نوشته شود. زیرا این موضوعات اغلب بر نخبگانی متمرکز شده‌اند که تجربه‌های مشترکی دارند. اما در اینجا، تأکید بیشتری بر نگارش جامع‌تر است. (هاینس، ۲۰۰۱)

جایگاه تخیل در انگاره ایگان

ایگان نقش تخیل را در روشهای دیگر بسیار کم‌رنگ می‌بیند. با بها دادن به نقش تخیل در انگاره ایگان بر درک علم‌آموز از مفاهیم عینی به سمت مفاهیم انتزاعی تأکید شده است. منظور ایگان این نیست که محتوای تخیلی برنامه درسی را افزایش دهیم. نکته این است که ما برای دستیابی به بازده بهتر آموزشی دانش‌آموزان، نیازمند بازسازی

برنامه درسی و روشهای آموزشی در پرتو تصویری غنی‌تر از علم‌آموز به عنوان فردی خلاق و خیال‌پرداز و در عین حال متفکری منطقی-محاسبه‌ای هستیم. منظور ایگان از خیال‌پردازی عنصری است که ابزار آموزشی نیز محسوب می‌شود. تأثیر اصول معمول در برنامه‌ریزی درسی، ایجاد روشهای آموزشی بوده است که بسیاری از تجربه‌های پربار انسانی را که همه افراد به‌ویژه کودکان به آنها دسترسی مستقیم دارند، از حوزه توجه خود خارج کرده است. علت این امر این است که یک چنین تجربه غنی فکری نمی‌تواند با تصویر محقری که آنها از کودک در ذهن دارند، مطابقت کند. در واقع آنها کودک را موجودی کم‌توان و غیرخلاق تصور می‌کنند و از همین روست که ابعاد پیچیده انسانی را در برنامه آموزشی وی وارد نمی‌سازند.

رویکرد ایگان تمرکز بر انواع تواناییهای ذهنی است که علم‌آموزان به‌ویژه کودکان آنها را به وضوح و در همه حال دارند و از آن استفاده می‌کنند.

انسجام در داستان

داستان شامل واحدهای روایی است. اهمیت موضوع نیز در همین است که داستان باید از واحدهای مجزا تشکیل شده باشد. چنین داستانهایی تا زمانی که همه حوادث به ضرباهنگ اصلی داستان وصل‌اند و آن را به پیش می‌برند قدرت نفوذ خود را بر ما حفظ می‌کنند.

ایگان معتقد است اگر ما تدریس را با در نظر گرفتن اصل انسجامی داستان بنگریم، می‌توانیم نتیجه بگیریم که اگرچه این مشاهده کلی چیز تازه‌ای نیست، ما را تشویق می‌کند تا آموزش را از زوایای دیگری نگاه کنیم. اصل سازماندهی درس به شیوه منسجم اصل واضحی است اما تطبیق آن با قالب داستان، روشهای تازه‌ای را به دست می‌دهد که در آن به نحو بهتری می‌توانیم به این انسجام دست یابیم.

وجه تمایز داستان با بقیه انواع روایتها در این است که داستانهای ابتدا و انتهای مشخص و شفافی دارند. در همه داستانهای یک مشکل اصلی و مرکزی وجود دارد که از همان ابتدا طرح می‌شود و همه عوامل داستان باید به نحوی بر آن مؤثر باشند، زیرا در غیر این صورت حذف می‌شوند. هر عاملی به نوبه خود باید به پیشبرد داستان کمک کند، بنابراین می‌توان تشخیص داد چه چیزهایی باید وارد شود و چه چیزهایی از آن

خارج شود. بدین ترتیب اصل قدرتمند انسجام و معیار گزینش آنچه به موضوع مربوط می‌شود، در هر داستان خوب دیده می‌شود.

ضربانگی که داستانها دنبال می‌کنند، بازتاب توانایی ذهنی افراد است. در واقع، همه افراد تواناییهای ذهنی دارند که در تشخیص کشمکش، مشکلات، تبیین آنها و دانستن اینکه چه موقع این گره‌ها باز می‌شود فعال‌اند. این تواناییها حتی در کودکان هرگز ابتدایی و خام نیستند بلکه پیچیده و عمیق‌اند. همان‌طور که مطالعه زبان‌شناسی فهم ما را از پیچیدگی فوق‌العاده فعالیت فکری در یادگیری زبان وسعت بخشیده است، به همان نسبت مطالعه ادبیات، پیچیدگی حتی عمیق‌تر یادگیری قالب داستان را به ما نشان می‌دهد. مطالعه ادبیات روشن می‌کند که یادگیری داستان، قالبهای آن و تولید داستان امری بدیهی و ساده نیست بلکه دارای ابعادی تخصصی و پیچیده است.

متضادهای دوتایی

یکی از ابزارهای ساختاری که به روشنی در داستانها دیده می‌شود استفاده از متضادهای دوتایی است. کشمکش بین خوب و بد، دلیری و بزدلی، ترس و امنیت، و غیره شخصیتها و حوادث این کشمکش زیرساختی را در خود جا می‌دهند. این متضادهای دوتایی انتزاعی، معیار گزینش و سازماندهی محتوای داستان را به دست می‌دهند و همچنین خطوط ساخت اصلی‌ای را که داستان در امتداد آن به پیش می‌رود، تعیین می‌کنند. ایگان خاطر نشان می‌سازد که وی در پی تبیین روان‌شناختی این مسائل نیست. به‌علاوه نباید یک چنین مشاهداتی را بدین معنی دانست که این ویژگیهای فکری فقط منحصر به کودکان است. اگر درنگ کنیم و در نظر بگیریم که چگونه از حوادثی که در اخبار می‌شنویم مفهوم استخراج می‌کنیم درمی‌یابیم که این نوع متضادهای دوتایی با قوت تمام به عنوان سازمان‌دهنده در آنجا نیز در کارند. به نظر می‌رسد که اینها اولین مرحله در سازماندهی و معنی‌بخشی اطلاعات تازه‌اند. اگر بشنویم که مثلاً به تازگی انقلابی در افریقا یا امریکای جنوبی رخ داده، ابتدا با سازمان‌دهنده‌های دوتایی، جهت توجه خود را به سمت حادثه می‌بریم. مثلاً می‌خواهیم بدانیم آیا شورشها به تجهیزات نظامی سیا مجهز بوده‌اند و یا اینکه مستشاران کوبایی از آنها حمایت می‌کرده‌اند. در واقع ابتدا به دنبال وقایع یا حقایقی هستیم که به ما اجازه می‌دهند اطلاعات را در قالب ساختار ایدئولوژیک دوتایی بریزیم که از قبل آن را داشته‌ایم. اگر نتوانیم استدلال خیر را به

صراحت به این ساختار وارد کنیم، این خبر در معرض خطر بی‌معنایی باقی می‌ماند. بنابراین متضادهای دوتایی نه تنها در سازمان‌بندی داستانها به‌کار می‌روند، بلکه در همهٔ انواع حوزه‌هایی که سازماندهی و مفهوم‌سازی صورت می‌گیرد، دیده می‌شوند. در آموزش مطالب مختلف هم بهره‌گیری از روش متضادهای دوتایی بسیار مفید خواهد بود.

نقش معنای عاطفی در آموزش

داستانها مملو از مسائل احساسی‌اند که معمولاً در مطالب آموزشی دیده نمی‌شوند. ایگان تکیهٔ زیادی بر نقش عواطف در به دست آوردن معانی دارد. وی معتقد است همین احساسات می‌توانند یا انگیزه برای عمل ایجاد کنند و یا نکته و نتیجهٔ اعمال را به دست دهند و بدون این انگیزه‌ها، بیشتر هدف داستان از بین می‌رود. حتی پویایی داستانها در نتیجهٔ همین احساسات شکل می‌گیرد. بدین ترتیب اهمیت عواطف و نیات انسانی در معنی‌دار کردن چیزها را درمی‌یابیم. در نظر ایگان ارائهٔ دانش منفک از احساسات انسانی و نیات بشری به مفهوم از بین بردن معنی عاطفی دانش است. همین معنی عاطفی است که به‌ویژه در ایجاد دسترسی به دانش و سرگرم کردن ما در دانش اهمیت دارد.

این رویکرد به‌خصوص در آموزش درسهای همچون ریاضی که به تعبیر ایگان با تکیهٔ غرورآمیز بر بعد منطقی و غیر بشری تدریس می‌شود و از معنی عاطفی کاملاً جدا شده، بسیار سودمند است.

معنی عاطفی داستانها در بخش پایانی و اینکه چگونه داستان به انتها می‌رسد نیز دیده می‌شود. آنچه با پایان یک داستان خوب کامل می‌شود الگویی است که معنی و احساسات ما را دربارهٔ محتوای داستان ثبات می‌بخشد.

روایتی بودن داستان روشی برای ایجاد معنی است. داستانهای افسانه‌ای شدیداً با معنی احساسی رابطه دارند، حال آنکه در آموزش توجه ما بیشتر معنی ادراکی است. در انگارهٔ ایگان به معانی «شناختی» و «عاطفی» هر دو و با هم نیاز است. از آنجا که مدل‌های غالب فقط بر معنی شناختی و به قیمت از دست دادن معنی عاطفی متمرکز شده‌اند، به‌کارگیری برخی از جنبه‌های ساختار داستان ما را قادر می‌سازد در برنامه‌ریزی درسی توازن بهتری داشته باشیم.

مفهوم داستان که ایگان در نظر دارد افسانهٔ نوعی نیست بلکه چیزی نزدیک به

آن منظوری است که سردبیر روزنامه در مورد خبر واقعه‌ای از خبرنگار خود می‌پرسد که «داستان این قضیه چیست؟» سردبیر توضیحی در مورد وقایع حادث در بافت انتزاعی می‌خواهد که خواننده آن را بفهمد. سردبیر اساساً می‌خواهد بداند چگونه مسائل خاص در قالب برخوردهای دوتایی قرار می‌گیرد؛ سؤال سردبیر این است که چگونه این دانش خاص برای خواننده معنی‌دار و سرگرم‌کننده می‌شود.

ایگان می‌خواهد در مدل خود حداقل تا حدی ضرابهنگ داستان‌گونه را بنا کند و این مستلزم نوعی آغاز است که انتظاری را به وجود آورد و سپس نتیجه‌گیری که این انتظار را برآورده سازد. این روش همچنین معیار کلیدی را برای انتخاب و سازمان‌بندی محتوا به دست می‌دهد.

چهارچوب انگاره داستانی ایگان

۱. تعیین اهمیت
در این موضوع چه چیزی اهمیت بیشتری دارد؟
چرا این مهم برای یادگیرنده‌ها اهمیت دارد؟
مشغولیت عاطفی آن از کجا ناشی می‌شود؟
۲. یافتن متضادهای دوتایی
کدام متضادهای دوتایی قوی به بهترین شیوه اهمیت موضوع را به دست می‌دهند؟
۳. سازمان‌بندی محتوا به شکل داستان
کدام محتوا به طور چشمگیر متضادهای دوتایی را به منظور دستیابی به موضوع دربر می‌گیرد؟
کدام محتوا به بهترین شیوه موضوع را به شکل داستانی پیش رونده تولید می‌کند؟
۴. نتیجه‌گیری
بهترین شیوه حل کشمکش اصلی موجود در متضادهای دوتایی چیست؟
تا چه میزان می‌توان میان این متضادها اعتدال ایجاد کرد؟
۵. ارزشیابی
چگونه می‌توان دریافت که آیا موضوع، فهمیده شده، اهمیت آن درک شده و محتوا یاد گرفته شده است؟

ایگان توصیه می‌کند که درس مربوط به مثلاً «جوامع» را باید به صورت یک داستان و نه اهدافی که آنها را باید به دست آورد، تعریف کرد. باید به خاطر داشت که داستان می‌تواند حقیقت داشته باشد یا افسانه باشد و تبدیل مواد درسی به داستان می‌تواند مستلزم ساده‌سازی باشد اما هرگز مستلزم دروغ‌پردازی نیست.

ایگان اشاره می‌کند که این انگاره نیز همانند هر انگاره جدید دیگری در نظر اول پیچیده می‌آید. بخشی از علت این پیچیدگی ظاهری به علت متفاوت بودن آن از چیزی است که به آن عادت کرده‌ایم. بعد از اینکه مدتها در معرض مدلهای مسلط قرار گرفته‌ایم و اثبات تقریباً جهانی این مسئله که باید واحدها و دروس را با مشخص کردن اهداف شروع کنیم، مدل مسلط به امری «طبیعی» تبدیل شده است. مدل پیشنهادی ایگان که در هیچ جای آن ذکری از اهداف به میان نمی‌آید، مبتنی بر اصولی است که قطعاً نه تنها با مدلهای مبتنی بر اهداف - محتوا - روش - ارزشیابی از لحاظ صحت برابری می‌کند، بلکه شاید از آنها نیز بهتر باشد. ایگان معتقد است بعد از مدتی به‌کارگیری این انگاره نیز رویکردی طبیعی برای برنامه‌ریزی درسی جلوه خواهد کرد.

خلاصه‌ای از یک مطالعه موردی: مثالی از علوم اجتماعی در قالب انگاره ایگان

«کمونیسم و سرمایه‌داری»

۱. مشخص نمودن اهمیت: کشمکش بین سرمایه‌داری و کمونیسم یکی از عمده «داستانهای» دنیای جدید است. طیف وسیعی از وقایع سیاسی و اقتصادی در این راستا تفسیر می‌شود. این موضوع از این لحاظ مهم است که این دو نظام عمده دربر دارنده ارزشهای متفاوت‌اند و درک اهداف، امیدها و باورهای متفاوت آنها در فهم بیشتر وقایع دنیا مؤثر است.

۲. یافتن متضادهای دوتایی: در سطوح بالاتر آموزشی به جای متضادهای دوتایی از «مفاهیم» دوتایی استفاده می‌شود. این جفتها لزوماً متضاد نیستند و می‌توانند هر جفت از مفاهیم را که دارای رابطه‌ای با یکدیگرند، دربر بگیرد. می‌توان از متضادهای ساده‌تر تا پیچیده‌تر پیش رفت. انتخاب این جفتها بسیار پراهمیت است و نیاز به تأمل و تفکر فراوان دارد. در مورد موضوع مورد بررسی - سرمایه‌داری و کمونیسم، غالباً اصطلاحهایی را می‌شنویم همچون «امپراتوریهای شیطانی»، «امپریالیسم جهان‌خوار» و

غیره، که ظاهراً در طول تاریخ وجود داشته است. در واقع، ساختار معمولی که در آن مطبوعات و سیاست‌مداران این دو نظام پیچیده را ابراز می‌کنند و درک می‌کنند، همان ساختار بسیار ساده‌ی دوتایی اولیه‌ی خوب/ بد است. اما برای امر آموزش این جفتها باید به دقت انتخاب شوند؛ مثلاً آزادی/ مساوات که با نگرش افراد هر نظام این جفتها کاملاً تغییر می‌کند.

۳. سازماندهی محتوا به شکل داستان:

● در آغاز درس باید به شکل نمایشی تفاوت ناشی از ارزش‌گذاری بیشتر به «آزادی» نسبت به «مساوات» و به‌عکس را نشان دهیم. می‌توان به دنبال حادثه‌ای گشت که کشورهای کمونیست و سرمایه‌دار در شیوه‌ی همین ارزش‌گذاری متفاوت با یکدیگر برخورد پیدا می‌کنند. اما در عین حال باید فوراً نشان دهیم که اولویت ارزشی متفاوت، به چینش اجتماعی متفاوت منجر می‌شود.

● مفاهیم دوتایی ما، معیار‌گزینش محتوای بقیه‌ی درس را فراهم می‌کند. در واقع بر جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی و تاریخ تکیه می‌شود که به واضح‌ترین شکل ارزش بالایی را که مثلاً به آزادی داده شده است نشان می‌دهد. منظور اصلی پیکره‌ی این بخش نشان دادن این حقیقت است که چگونه آرمان بر جامعه تأثیر می‌گذارد.

۴. نتیجه‌گیری: دوره‌ی درسی خود را می‌توانیم با چند درس جمع کنیم. مقصود آموزشی ما فراهم کردن اعتدال بین دو آرمانی است که پیش‌تر عرضه شده؛ مثلاً می‌توان زمانی را صرف بررسی مشکلاتی کرد که در به دست آوردن هر کدام از آرمانها وجود دارد و همچنین مشکلاتی که ناشی از رقابت دو نظام است.

۵. ارزشیابی: سنجش یادگیری بخش وسیعی از محتوای دو نظام را می‌توان از طریق روند ارزشیابی سنتی انجام داد. بخشی از این ارزشیابی از طریق بحث و برخورد دانش‌آموزان با تکالیف مربوط به دست می‌آید.

ایگان اظهار می‌دارد که مدل وی تنها گزینه‌ای در کنار مدل حاکم است و نه جانشین آن. مقصود وی این بوده است که مدلی را طراحی کند که در آن به چیزهایی بها داده شود که در مدل مسلط ظاهراً مورد غفلت قرار گرفته‌اند (ایگان، ۱۹۸۶).

پي نوشتها

1. Simon Fraster University
2. *Primary Understanding: Education in Early Childhood*
3. *Educatinonal Development*
4. *Imagination and Education*

منابع

Egan, Kieran (1986); *Teaching as Story Telling*; the University of Chicago Press.
Haynes, Anthony (2001); *Writing Successful Textbooks*; A & C Black.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی